



مرزهای سالم ۱

حدود

دوم قرنیتان ۱۰: ۱۳-۱۵

پولس رسول به خوبی از حدود کاری و مسئولیتش آگاه بود.

وقتی جوان بودم برای اولین بار با پدر و مادرم به خارج از کشور رفتم. به یاد دارم که این سفر را هیجان انگیز و تجربه بسیار ویژه ای یافتم. برای اولین بار از مرز به مقصد سفر به کشور دیگری عبور کردیم.

بعدها مجبور شدم برای کارم سفرهای طولانی انجام دهم. گاهی اوقات ورود به یک کشور بسیار سخت بود. یک بار تقریباً یک ساعت مورد بازجویی قرار گرفتم تا اینکه اجازه ورود به کشور را برابم بدهند. تنها در این صورت است که خواهید آموخت که مرزهای ملی ممکن است همیشه به وضوح قابل مشاهده نباشند، اما وجود دارند!

ما بسیاری از این مرزها را در زندگی خود می دانیم. وقتی از پنجره بیرون را نگاه می کنم، دیوار همسایه و حصار باغ همسایه دیگر را می بینم. همه می دانند که به محض عبور از حصار یا دیوار، وارد قلمرو طرف مقابل می شوید. هر دو باغ بسیار متفاوت به نظر می رسند. یکی بسیار مرتب و مراقبت شده است، دیگری نامرتب به نظر می رسد. هر دو همسایه مالک زمین خود هستند و مسئولیت نگهداری آن را بر عهده دارند.

در یک کشور نیز دقیقاً همینگونه میباشد. وقتی شما از مرز عبور نمودید، دولت یا رییس جمهور آن کشور مسئول اداره سالم آن کشور است. مردم برای حفاظت از سرزمین شان مستقر شده اند.

شخصیت ما هم حد و مرزی دارد. ما مسئول مراقبت از خود هستیم. اولاً والدین و مربیان ما در تعیین این مرزها به ما کمک می کنند، اما در نهایت ما مسئول شناخت و محافظت از مرزهای مان هستیم.

عیسی و مرزها

متی ۱۵: ۲۱-۲۸

متی ۲۲: ۱۷-۲۱

یک روز یک زن کنعانی برای درخواست کمک از عیسی نزد او می آید، اما عیسی در ابتدا از کمک خودداری می کند. او می گوید که برای قوم یهود فرا خوانده شده است. او ابتدا باید به آنها رسیدگی کند.

در عهد عتیق و از قوانین قوم یهود می آموزیم که مراقبت از دارایی خود و همچنین احترام به دارایی دیگران مهم است. عیسی این را نیز می داند که یهودان باید به امپراتور روم مالیات بپردازند. عیسی می داند که محدودیت هایی وجود دارد. او تأکید میکند که آنچه را که متعلق به خداوند است باید بصورت حتمی از آنمراقبت شود. و آنچه که از دیگران است او بدان احترام قایل است. با این حال، عیسی همچنین نشان می دهد که شیطان از مرزهای مردم و حاکمان عبور کرده است. او نشان می دهد که این کار غیرقانونی است و چگونه می توان آن را احیا کرد: با آزاد کردن مردم از قدرت شیطان.

محدودیت های شخصی

در زندگی شخصی نیز برای هر شخصی محدودیت هایی وجود دارد، بنابراین شما می دانید که چه کسی هستید و در برابر چه چیزی مسئول هستید. همچنین به شما می گوید که چه کسی نیستید و در قبال چه چیزی مسئول نیستید.

درست مانند همسایه ام که به خاطر اینکه مالک باغش است، بناً از آن به خوبی مراقبت می کند، من می توانم خودم را مالک زندگی ام ببینم و مسئولیت آن را بر عهده بگیرم. درست مانند همسایه دیگرم که او هم مالک باغش است، اما هیچ کاری در مورد محافظت و مراقبت آن انجام نمی دهد، می توانم خودم را مالک زندگی خود ببینم، اما هیچ مسئولیتی را قبول نکنم. در اینجا شما یک نکته بسیار مهم را مشاهده می کنید، خداوند از ابتدای خلقت به ما مثال هایی میدهد و انتخاب پیروی کردن یا نکردن ازین مثال ها را در اختیار ما قرار میدهد. شما می توانید و اختیار کامل دارید تا مسئولیت زندگی یا قلمرو خود را به عهده بگیرید یا آنرا رد کنید.

فرمان عیسی چه بود؟

متی ۲۲: ۳۷-۳۹

(خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما و همسایهات را همچون خویشان محبت نما.)

عیسی ارزش دوست داشتن خود را می داند. خدا شما را دوست دارد و عشق خود را به شما می دهد. مراقبت از خود نیز به مثابه دوست داشتن خود است. از این طریق می توانیم دیگران را دوست داشته باشیم.

ما در قبال دیگران مسئولیت داریم، اما در درجه اول مسئول خودمان هستیم.

لوقا ۶: ۴۱-۴۲

(اول به اشتباهات خود توجه کنید)

غلاطیان ۶: ۲-۵

(بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید، ولی هرکس باید متحمل بار خود باشد)

پناهگاه ها

در کشور هلند هنوز هم می توانید قلعه های قدیمی و زیبا را در برخی نقاط پیدا کنید. به نظر من یکی از زیباترین قسمت های این قلعه ها پل های متحرک و دروازه های آنهاست. این پل های متحرک و دروازه ها در آن زمان عملکرد بسیار خاصی داشت. آنها افراد شرور، به شمول لشکر دشمن را از قلعه دور نگه میداشتند. ولی افراد خوب اجازه داشتند از دروازه وارد شوند.

لوقا ۱۱: ۴۵-۴۶

عیسی به شاگردانش می گوید که از "قلعه ها" یعنی قلب های شان محافظت کنند. به عنوان مثال به افرادی که به آنها گوش می دهید بسیار توجه کنید. به افرادی که از شما می خواهند هر کاری را انجام دهید اما خودشان هیچ کاری نمی کنند، گوش ندهید!

برای ما مهم است که چنین دروازه هایی را در زندگی خود داشته باشیم. شما باید یاد بگیرید که از ورود چیزهای بد به قلب تان جلوگیری کنید. مگر به چیزهای خوب اجازه دهید که وارد شوند. یکبار دیگر، شما باید یاد بگیریم که چه چیزی را وارد قلب تان کنید و چه چیزی را نپذیرید.

چشم، گوش، دهان، پوست شما در اصل دروازه های ورودی قلبهای تان هستند. بدی ها را کنار بگذارید و خوبی ها را اجازه ورود دهید. آنها ارتباط مستقیمی با قلب شما دارند. به عنوان مثال، اگر چیزی را نمی خواهید، با صدای خود می توانید به وضوح "نه" بگویید تا مرز های شما مشخص شود. اگر کسی به شما اهمیت می دهد و شما آن را خوش دارید، می توانید آن را تأیید کنید و خود را به روی آن محبت باز کنید.

اگر کسی به اشتباه چیزهای زشتی در مورد شما می گوید، می توانید با دیگر گوش ندادن به او و با بیان اینکه سخنان او را قبول ندارید، جلو آن را بگیرید.

متی ۵: ۳۷

امثال ۴: ۲۳

(دل خویش را با مراقبت تمام پاس بدار،)

دروازه ها از قلب ما محافظت می کنند.

نمونه ای از نحوه از بین بردن شر.

اول یوحنا ۱: ۷-۹

(اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است گناهان ما را می آمرزد.)

یعقوب ۵: ۱۶

(اعتراف به گناه منجر به بخشش و شفا می شود)

وقتی نوجوان بودم عیسی را نمی شناختم و یک شب با دوستانم برای سرقت چیزی رفتم. این کار برایم جالب میبود. بعدها، زمانی که عیسی را در زندگی خود پذیرفتم، این نکته در دعای من مدام مطرح می شد. من از صمیم قلب پشیمان شدم. یک روز به کسی که از او دزدیده بودم نامه نوشتم و از او طلب بخشش کردم. در کنار آن، توانستم خسارت وارده را به او بپردازم. وقتی من به مرحله ایمان رسیدم، زمان کمتری را با «دوستانی» می گذراندم که مدام مرا به انجام کارهای بد تشویق می کردند.

مثالی از چگونگی اجازه دادن به خوبی ها

کولسیان ۱: ۱۰-۱۱

(در شناخت خدا رشد کردن)

با راه رفتن با خدا و گشودن دروازه قلب خود به سوی معرفت خدا، روابط شما نیز شکوفا می شود.

زکی عیسی را به خانه اش راه داد. این کار قلب او را تغییر داد.

خدا مرزهایی دارد

خداوند مرزهای مشخصی دارد. او آنچه را که فکر می کند، آنچه را که احساس می کند، آنچه را که اراده دارد، آنچه را که انجام می دهد و آنچه را که اجازه نمی دهد، آنچه را که دوست دارد و آنچه را که متنفر است، به اطلاع تان می رساند.

اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷

پدر، پسر و روح القدس یکی هستند. با این حال هر کدام مسئولیت خود را دارند. این یک نمونه فوق العاده ای از همکاری و اتحاد خوب است. به عنوان مثال، در هنگام خلقت ما روح القدس را می بینیم که بر روی زمین شناور است در حالی که خدا کلام خود را بیان می کند. به این ترتیب انسان را می آفریند و روح نَفَس حیات می بخشد. ما هرگز بین این سه تناقض نمی بینیم. هدف مشخصی وجود دارد که هر کدام وظیفه خود را برای رسیدن به آن هدف انجام می دهند.

احترام به مرزهای دیگری

پیدایش ۳: ۱-۷

یوشع ۷: ۱

اعمال رسولان ۱۵: ۳۶-۳۹

در این سه مثال می بینیم که کسانی هستند که از مرزهای خدا عبور می کنند یا با یکدیگر اختلاف نظر دارند. خدا دخالت نمیکنند! او به انتخاب انسان احترام می گذارد، هرچند عواقب وخیمی مانند طلاق، جدایی و حتی مرگ داشته باشد.

نکته قابل توجه این است که خداوند برای مردم حدودی را تعیین می کند، اما وقتی مردم انتخاب های اشتباه می کنند دخالت نمی کند. مگر عواقبی وجود دارد که خوشایند نیست.

این دقیقاً در روابط ما صادق است. اگر به مرزهای همه احترام بگذاریم، روابط ما قوی تر خواهد شد. اگر این کار را نکنیم، رابطه ضعیف می شود و گاهی آسیب می بیند.

تکلیف گروهی

درین مورد بحث و گفتگو کنید که چگونه در زندگی خود به "دروازه ها" نگاه کرده اید. آیا اجازه دادن چیزهای منفی به قلب تان برای شما آسان بود؟ یا یاد گرفته اید که به چیزهای مثبت آغوش بکشاید؟

با یکدیگر بحث کنید که چگونه ما در یک گروه می توانیم این فرآیند تعیین مرزها و باز کردن یا بستن دروازه ها را تحریک کنیم. برای ایجاد مرزهای خوب در این گروه و ساختن خودی تان به گام های عملی فکر کنید.

